

بررسی رابطه بین رضایت زناشویی با تعارض کار / خانواده در معلمان شاغل شهرستان مهاباد

ابراهیم ناصری^۱، کامران عزیززی ارشد، آدکتر کیومرث کریمی^۲

چکیده

مقدمه: درک کیفیت و ارزش ازدواج وسیله ای برای درک اثرات آن بر روی تمام فرایندهای داخل و خارج خانواده است. از جمله دلایل معقول و منطقی مطالعه بر روی جزییات رضایت زناشویی، درک محوریت آن در سلامت خانواده و اشخاص اهمیت آن برای جامعه است. روش: طرح پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع مطالعات همبستگی می باشد. مجموع معلمانی که در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ در مدارس شهر مهاباد مشغول به خدمت بوده اند جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می دادند. نمونه مورد بررسی در این پژوهش ۳۳۳ معلم ۱۳۴ زن ۱۹۹ مرد بودند که به صورت زیر انتخاب شدند. حجم نمونه این پژوهش با استفاده از جدول کرسی و مورگان^۴ (۱۹۷۰) با توجه به جامعه آماری پژوهش حاضر به تعداد ۳۳۳ نفر می باشد روش نمونه گیری به شکل خوشه ای چند مرحله ای می باشد داده ها از طریق تکمیل پرسشنامه مقیاس رضایت زناشویی اینریچ (۱۹۸۹) و مقیاس تعارض کار / خانواده کارلسون و همکاران (۲۰۰۰) که بر مقیاس پنج گزینه ای لیکرت تنظیم شده بود. جمع آوری گردید. یافته ها: بین تعارض کار / خانواده و رضایت زنا شویی رابطه منفی معنادای وجود دارد. با توجه به خروجی به دست آمده (جدول شماره ۱) از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، چون سطح معنی داری این آزمون برابر

^۱ - واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی آذربایجان غربی. naseri136320@gmail.com.

^۲ - دانشگاه علامه طباطبایی تهران. kkamranaziziarshad@gmail.com.

^۳ - دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات تهران. qumarth@gmail.com.

۰/۰۰۰ بوده و این مقدار از ۰/۰۵ کوچکتر می باشد بنابراین ارتباط خطی بین دو متغیر تعارض کار/خانواده و رضایت زناشویی تایید می شود. میزان این ارتباط برابر ۰/۳۹۸- و شدت آن ۰/۱۵۸۴ و در جهت معکوس می باشد. از لحاظ شدت رابطه؛ نسبتاً قوی می باشد.

کلید واژه ها : رضایت زناشویی، تعارض کار /خانواده، ازدواج، معلم

مقدمه: در دهه ی ۹۰ مطالعات علمی پیرامون رضایت زناشویی توجه زیادی را به خود جلب کرد در مقایسه با یافته های علمی دهه های گذشته، در دهه ی ۹۰ حجم زیادی از مطالعات به جنبه های مختلف رضایت زناشویی اختصاص داشته است (برادبری و دیگران، ۲۰۰۰).

درک کیفیت و ارزش ازدواج وسیله ای برای درک اثرات آن بر روی تمام فرایندهای داخلی و خارجی خانواده است. از جمله دلایل معقول و منطقی مطالعه بر روی جزییات رضایت زناشویی، درک محوریت آن در سلامت خانواده و اشخاص (استاک و اشلمان، ۱۹۹۸)، اهمیت آن برای جامعه در حالتی که ازدواج های موفق شکل میگیرد، و نیاز به گسترش مداخلات تجربی برای زوجین به منظور جلوگیری یا کم کردن فشارهای زناشویی و طلاق، می باشد (بوکام، شوفام، هیزر، دیر تو و استیکل، ۱۹۹۸).

در دهه های ۸۰ و ۹۰، محققان موضوع رضایت زناشویی را با تاکید بیشتر بر جنبه هایی از تعاملات زناشویی که کمتر محسوس و قابل مشاهده هستند، ادامه دادند. (شامل تفسیر رفتارهای متقابل، هیجانانگیز شده و پاسخ های فیزیولوژیکی به تعاملات). همچنین در این دوره به الگوهای کلی تعاملات زوج ها و ابعاد اجتماعی آن که نادیده گرفته شده بود و نیز به خشونت های زناشویی توجه بیشتری شد (برادبری و دیگران، ۲۰۰۰). تحقیقاتی که بر روی تغییرات فیزیولوژیکی مربوط به روابط زناشویی انجام شده است، اهمیت زیادی دارد. یافته های این تحقیقات نشان می دهند که تغییرات فیزیولوژیکی با بروز عواطف ارتباط مستقیم دارند. تامسون و گیلبرت (۱۹۹۸) در پژوهش های خود دریافتند که همزمانی و